

عنوان مقاله:

آثارحاد و مزمن مصرف مکمل کوآنزیم Q10 بر لاکتات دهیدروژناز پس از فعالیت هوازی وامانده ساز

محل انتشار:

سومین همایش ملی راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار در علوم ورزشی و تربیت بدنی ایران (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 11

نویسندگان:

سودابه صیدی - دانش آموخته کارشناس ارشد فیزیولوژی ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

ناصر بهپور - دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، فیزیولوژی ورزشی، دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران

وحید تادیبی - دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، فیزیولوژی ورزشی، دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران

خلاصه مقاله:

زمینه و هدف: کوفتگی و درد عضلانی، تجربه ای معمول و شایع پس از انجام فعالیت‌های جسمانی بویژه فعالیت‌های وامانده ساز است. هدف از پژوهش حاضر بررسی آثارحاد و مزمن مصرف مکمل کوآنزیم Q10 بر لاکتات دهیدروژناز پس از فعالیت هوازی وامانده ساز در بازیکنان فوتبالیست 17-19 سال است. روش کار: دوازده فوتبالیست پسر که تا شش ماه قبل سابقه آسیب عضلانی نداشتند، به صورت داوطلبانه در این پژوهش شرکت کردند. در سه موقعیت کنترل، حاد و مزمن موردبررسی قرار گرفتند و به منظور ایجاد آسیب عضلانی، آزمون وامانده ساز بروس اجرا شد که برای تعیین سطح آنزیم لاکتات دهیدروژناز قبل و بعد از آزمون بروس خونگیری انجام شد. در موقعیت حاد، یک روز قبل از اجرای آزمون بروس دو عدد مکمل کوآنزیم Q10 (هر عدد 100 میلی گرم) مصرف شد و در موقعیت مزمن بعد از هشت هفته مصرف مکمل، آزمون بروس اجرا شد. برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از آزمون t وابسته در سطح معنیداری $P \geq 0/05$ استفاده شد. یافته‌ها بررسی‌های آماری نشان دادند تفاوت معناداری در پیش آزمون و پس‌آزمون در موقعیت حاد و کنترل مصرف مکمل کوآنزیم Q10 بر پاسخ لاکتات در دهیدروژناز وجود ندارد. اما این تفاوت بین پیش آزمون و پس‌آزمون مرحله مزمن معنی دار بود. نتیجه گیری: مصرف مزمن مکمل کوآنزیم Q10 تأثیر معنی داری در کاهش شاخص لاکتات دهیدروژناز داشت اما در گروه کنترل و حاد تأثیر معنی داری مشاهده نشد.

کلمات کلیدی:

کوآنزیم Q10، لاکتات دهیدروژناز، فعالیت وامانده ساز

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/926240>

